**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

عرض شد برای ورود به مباحث اصل اشتغال مقدمات و اموری را باید مطرح کنیم، دو امر گذشت.

**امر سوم: اقسام تردید در مکلف‌به**

تردید در مکلف‌به که یک رکن جریان اصل اشتغال بود دو قسم دارد:

**قسم اول:** تردید در خود مکلف‌به است و متعلق تکلیف، نمی‌دانم اکرام زید واجب است یا اکرام عمرو.

**قسم دوم:** خود مکلف‌به معلوم است، تردید در بعضی از خصوصیات اوست، که تردید در خصویات مکلف‌به باعث می‌شود انسان در عمل مردد بشود، تردید در خصوصیات هم اقسام مختلف دارد مثلا گاهی مکلف‌به مشخص است، تردید در زمان امتثال است، نمی‌داند مولا گفت اکرام زید روز جمعه واجب است یا روز پنجشنبه، متعلق اکرام مردد است. گاهی تردید در مکان است، مولا گفت اکرام زید واجب است در مسجد یا در مدرسه و گاهی متعلق تکلیف روشن است تردید در موضوعش است، می‌دانیم مولا گفت اکرام عالم واجب است، دو نفر هستند مرددیم زید عالم است یا عمرو عالم است. همۀ این تردیدها چه در خود مکلف‌به باشد، چه در موضوعش باشد، چه در زمانش باشد چه در مکانش باشد، تردید در مکلف‌به محسوب می‌شود و مورد اصل اشتغال خواهد بود.

**امر چهارم: تقسیمات یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به**

تقسیمات یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به که مورد اصل اشتغال است، فروضش بسیار زیاد است، مثلا گاهی یقین به جنس تکلیف داریم گاهی به نوع تکلیف، تکلیف ما یا وجوب است یا حرمت است، تردید در مکلف‌به گاهی در خود مکلف‌به است گاهی در سایر خصوصیات است در همۀ این موارد تردید در مکلف‌به گاهی به خاطر فقدان نص است گاهی به خاطر اجمال نص است گاهی به خاطر تعارض نصین است گاهی به خاطر اشتباه امور خارجی است و اقسام دیگر، ولی سه تقسیم مهم است و ثمرۀ عملی دارد که حکم این سه تقسیم باید روشن شود، هویت اصل اشتغال به روشن شدن حکم این سه تقسیم است:

**تقسیم اول:** تردید در مکلف‌به گاهی بین متباینین است و گاهی بین اقل و اکثر است اقل و اکثر هم یا استقلالی است و یا ارتباطی است، احکام این تقسیم باید روشن شود.

تردید در متباینین در مکلف‌به یعنی مکلف‌به مردد است بین دو عمل مستقل مباین مغایر با یکدیگر، زید می‌داند روز جمعه وظیفۀ نماز دارد نمی‌داند نماز ظهر واجب است یا نماز جمعه، تردید در مکلف‌به است تردید متباینین است

گاهی مکلف‌به مردد است بین اقل و اکثر ارتباطی یعنی طرفین تردید عمل واحد است، اجزاء مرتبط با هم، می‌داند نماز بر او واجب است، نمی‌داند با سوره واجب است یا بدون سوره، یقین به تکلیف شک در مکلف‌به، رابطۀ اقل و اکثر ارتباطی، اقل و اکثر ارتباطی هم این است که اقل را انجام بدهی بدون اکثر فائده‌ای ندارد.

گاهی مکلف‌به مردد است بین اقل و اکثر استقلالی، شک دارد آیا دینش به زید هزار تومان است یا دو هزار تومان؟ که اگر هزار تومان داد به همان اندازه بری الذمه شده است.

**تقسیم دوم:** این است که تردید در مکلف‌به گاهی از نوع شبهۀ حکمی است و گاهی از نوع شبهۀ موضوعی است، اینها ممکن است تفاوت داشته باشد. شبهۀ حکمی مثل اینکه نماز واجب است یا ظهر است یا جمعه. گاهی شبهۀ موضوعی است می‌داند نماز واجب است نماز ظهر واجب است استقبال قبله هم شرط است نمی‌داند قبله سمت راست است یا سمت چپ، اینجا هم باید بررسی شود.

**تقسیم سوم:** قبل از تقسیم سوم یک مقدمۀ کوتاهی اشاره کنیم:

**مقدمه:** انسان که در وظیفۀ خودش شک می‌کند دو حالت دارد گاهی در مرتبۀ اشتغال ذمه شک دارد، نمی‌داند ذمۀ‌اش مشغول به اکرام زید است یا اکرام عمرو، ذمۀ‌اش مشغول به نماز ظهر است یا نماز جمعه است، شک دارد اشتغال ذمه‌اش به کدام یکی است، گاهی بعد از انجام عمل و بعد از امتثال شک می‌کند ذمه‌اش فارغ شده است یا ذمه‌اش فارغ نشده است.

خود عبارت اصل اشتغال ظاهرش این است که محل بحث مرتبۀ اول است هر جا شک دارد در اشتغال ذمه به تکلیف آنجا جای اصل اشتغال است. ولی دقت کنید همۀ ملاکهای اصل اشتغال در مرحۀ دوم هم جاری است که شک در امتثال باشد یعنی در مرحلۀ امتثال هم اگر بعد از عمل یقین به تکلیف داشت با اینکه یک کاری کرده است باز هم شک دارد امتثال داشت باز اصل اشتغال جاری است. مثال زید نماز ظهرش را خواند نماز عصر را هم خواند اجمالا می‌داند یکی از دو نمازش خلل دارد، یا نماز ظهر یا نماز عصر خلل دارد اگر بعد از عمل احتمال خلل در نماز واحد بود تردید بین دو طرف نبود علم اجمالی نبود حدیث لاتعاد جاری می‌شد قاعدۀ فراغ جاری می‌شد « كُلُّ مَا شَكَكْتَ فِيهِ مِمَّا قَدْ مَضَى فَامْضِهِ كَمَا هُوَ.» ولی الان اجمالا می‌داند یکی از دو نمازش خلل دارد کدام است؟ نمیداند همۀ مباحث اشتغال اینجا جاری است لذا چنین گفته می‌شود قاعدۀ فراغ در هر دو نماز بخواهد جاری شود تعارض و تساقط می‌کنند قاعدۀ فراغ بگوید هردو نماز درست است مخالف با علم اجمالی است در یکی از دو جاری شود ترجیح بدون مرجح است لذا اصل اشتغال حاکم است. نتیجه مباحث اصل اشتغال فقط در شک در اشتغال ذمه تنها جاری نمی‌شود در شک در امتثال بعد از عمل اگر ارکان تمام باشد یقین به تکلیف باشد شک در مکلف‌به باشد احتیاط ممکن باشد باز هم اشتغال جاری است.

با این توضیحی که عرض کردیم روشن می‌شود آنچه را که تلمیذ محقق شیهد صدر قدس الله روحهما الزکیه در بحوث فی علم الاصول جلد 5 اول مباحث اصل احتیاط آورده است این مطلب صحیح نیست ایشان وقتی مورد اصل اشتغال را توضیح می‌دهند می‌فرمایند «لا موارد الشک فی الامتثال»[[2]](#footnote-2) موارد شک در امتثال محط جریان اصل اشتغال نیست. با این توضیحات معلوم شد محل جریان اصل اشتغال هست توضیح مفصل در بحث خودش خواهد آمد. پس کلام ایشان وجهی ندارد چه این کلام از خودشان باشد یا کلام شهید صدر باشد.

**نتیجه:** هم در شک در اشتغال ذمه و هم در شک در امتثال اگر یقین به تکلیف و شک در مکلف‌به باشد و احتیاط ممکن باشد اصل اشتغال جاری خواهد بود.

1. - جلسه دوم - مسلسل 120 – چهارشنبه – 19/6/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - بحوث في علم الأصول، ج‏5، ص: 169: ««أصالة الاحتياط» و يقصد بها موارد الشك في المكلف به عند العلم الإجمالي بأصل التكليف، لا موارد الشك في الامتثال الّذي هو من الشبهة الموضوعية لا الحكمية». [↑](#footnote-ref-2)